

سبک عزاداری



عزاداری توأم با شعور در باشکوه‌ترین همایش خودجوش مردمی

اشک‌هایی از جنس معرفت

■ مرضیه بامیری

محرم که می‌آید دلت یک‌دفعه می‌ریزد. بی‌اختیار سمت کمد لباس هایت می‌روی و پیراهن مشکی‌ات را در می‌آوری. یک پرچم سیاه هم از صندوقچه در می‌آوری و آن را به سر در خانه‌ات می‌زنی و این می‌شود شروع دو ماه عاشقی. اولین شب همه جا ساکت است. هیاهو کمتر است و فقط صدای طبل و دهل از دسته‌ها می‌شنوی. کم‌کم شلوغ می‌شود و هر چه به شب دهم نزد یک می‌شوی جای سسوزن انداختن نیست. باید یک ساعت زودتر دست‌فرزندت را بگیري ببری تا جایی برای نشستن داشته باشیدی و از میان جمعیت سرک نکشد و گریه نکند که نم‌نمی‌بینی. برای پسرتر یک سربند یا حسین (ع) خریده‌ای و برای

■ نذری خوشمزه‌ترین غذای دنیاست

خیلی‌ها می‌گویند دلمان برای نذری‌های محرم تنگ شده است. راست می‌گویند. نذری خوردن عجیب‌ترین حس این واقعه بزرگ است. ساده‌ترین غذا را هم که بدهند می‌شود خوشمزه‌ترین غذای دنیا. بعضی هیئت‌ها سیب‌زمینی کبابی و یک تکه نان می‌دهند. چنان با ولع می‌خوری که انگار خوراک یوقلمون جلوت گذاشته‌اند. با خودت فکر می‌کنی این چه حکمتی است که هر سال با وجود تورم بیشتر و مشکلات اقتصادی که مردم را گرفتار کرده اما نذری‌ها هنوز پا بر جااست و هنوز هیچ هیئتی می‌رسد که خودش انگشت به دهان می‌ماند. انگار نماینده صاحب عزا هستند که کسی پذیرایی نشده از در خانه‌اش نرود. حتی کسی که خانه‌اش نزدیک هیئت است و دلش شکسته وقتی هوای نذری می‌کند طوری از آسمان برایش می‌رسد که خودش انگشت به دهان می‌ماند. هنوز بوی قورمه سبزی‌های هیئت در کوچه می‌پیچد. هنوز وقتی شربت ایستگاه صلواتی را می‌بینی دلت می‌خواهد از ماشین پیاده شوی و جرعه‌ای از آن بنوشی.

وقتی مراسم شیرخوارگان را با همه شکوه می‌بینی یا حضور این همه جوان مخلص را در هیئت می‌بینی دل‌ت قرص می‌شود. محمد هر سال برای هیئتی هزار و ۵۰۰ نفره که اغلب تا ۲هزار نفر می‌رسد قورمه سبزی تدارک می‌بیند. امسال به دلیل مشغله‌های مالی و گرانی اجناس و دو برابر شدن قیمت برنج، گوشت و... از او خواستند غذایش را ساده‌تر کنند، اما او زیر بار نرفت. گفت صاحب این مجلس من نیستم... او که باید، خودش هزینه مهمان‌هایش را می‌دهد و هر سال از جایی پولش را می‌رساند که فکرش را هم نمی‌کنم. اعتقادش زیباست و عجیب که حتی سخت‌ترین شرایط جامعه و معیشت مردم باعث نمی‌شود نذری‌هایی که از سر اداشان است کم شود.

■ هر سال باشکوه‌تر از سال قبل

هر سال عاشورا بی‌تغییر تر و باشکوه‌تر از سال قبل برپا می‌شود. برایشان فرقی نمی‌کند آسمان بارانی باشد یا برقی. گرم باشد یا مجبور شوند با سال از کلاه عزاداری کنند. این تنها اجتماع بزرگ انسانی است که کاملاً خودجوش و مردمی برگزار می‌شود و هیچ تنبذی روی کیفیت اجرای آن تأثیر نمی‌گذارد. نسل‌های زیادی آمدند و رفتند اما سنت‌های اقامه عزا در جای جای این میهن زیبا به قوت خود باقی است و هنوز تعزیه و زنجیرزنی، نخل گردانی و... باقی است. هنوز وقتی هیئت‌ها به هم خوشامد می‌گویند، علم‌ها را مقابل هم می‌گیرند و جوری به هم سلام می‌دهند که بند بند استخوان هایت از شوق می‌لرزد. این تنها اجتماعی است که همه درگیر هیبت و جلاش می‌شوند و برای خدمت به عزای حسین (ع) هر کاری از دستشان برپایید دریغ نمی‌کنند. در این ماه بازار هلیوم‌پزی هیئت‌ها داغ است. بازار زیارت‌های عاشورا و عزاخانه‌های زنانه که گاهی به وسعت پارکینگ یک خانه است. هنوز در صف ایستادن برای گرفتن غذای نذری خاطرات نوستالژیک خیلی‌هاست و تمام اینها خاطرات شیرین این ماه است که هر کس به اندازه فهم و معرفتش از آن بهره می‌برد، اما این تمام ماجرا نیست.

■ رفتارهایی که حرمت محرم را می‌شکنند

خیلی از اتفاقات و سنت‌های غلط دست به دست هم داده‌اند تا رنگ و بوی محرم دستخوش تغییر شود و فرهنگ غرب حتی در محرم هم بیکار ننشسته و از آن سر دنیا به مراسم و حاشیه‌هایش جهت می‌دهد. برخی جوان‌ها هم خواسته یا ناخواسته تن به تحولات

دختر سه‌ساله‌ات یا رقیه (س). او را می‌فرستی میان هیئت. حلقه آخر مخصوص کودکان است و مردی با اشتیاق آنها را در صف هدایت می‌کند. خیلی‌ها امام حسین (ع) را نمی‌شناسند و معنی سینه‌زدن‌ها ایشان را نمی‌دانند اما انگار یک موج بزرگ آنها را دنبال خودش می‌کشاند. یک شور عجیب که با خونمان عجین شده است و هر جا مراسم سیدالشهدا(ع) باشد زود خودمانی می‌شویم. ارادتمان را به هم هزار و یک مدل نشان می‌دهیم. یکی نیت کرده چای ریز هیئت باشد. تمام ۱۰شب را در دسته سینه‌زنی او را نمی‌بینی، چون در ایستگاه صلواتی کنار هیئت مشغول چای ریختن است. یکی کمر بند علم همیشه روی کمرش است و دیگری قبض به دست برای کمک به مسجد و هیئت و

مقدمه عبادت قرار داد.

و بزرگ‌ترین اتفاق جهان اسلام را با فرهنگی عاری‌های تطبیق می‌دهند. در سال‌های اخیر جوان‌ها با لباس‌ها و تیپ‌های عجیب و غریب در هیئت‌ها ظاهر می‌شوند. کافی است پوششی از فضای مجازی توسط سلبریتی‌ها یا افراد شناخته شده مطرح شود. آن وقت است که موجی از آن مدل به راه می‌افتد و نوجوان‌هایی که در مرحله خاص هویت‌یابی هستند تن به این تبلیغات می‌دهند و با تغییر ظاهر‌شان اولین قدم را در مسیر تغییر برمی‌دارند. از لباس گرفته تا مدل‌های مو که گاهی روی سر تراشیده خود «یا حسین» حک می‌کنند. فقط پسرها نیستند که دستخوش تغییر شده‌اند. راه افتادن دنبال دسته‌ها و دوستی‌های جنس مخالف و سلفی‌های وقت و بی‌وقت باعث شده است برخی دخترها هم با پوششی خاص و مرشان داغ داغ است. روی بعضی از این ناخن‌ها باشد. در روزهای اول محرم یکی از شلوغ‌ترین مکان‌هایی که می‌شود این ادعا را ثابت کرد آرایشگاه‌هایی هستند که بازار کاشت ناخن مصنوعی و طراحی ناخن با ورژن

محرم‌شان داغ داغ است. روی بعضی از این ناخن‌ها باشد. تبلیغاتی فضای مجازی تلفیقی از رنگ سیاه و قرمز دیده می‌شود که نوشته‌هایی از شهدای کربلا بر آن حک شده است. کاشت ناخن که جز در برخی موارد اشکال شرعی دارد در عزای امام حسین(ع) باب و کم‌کم اصل ماجرا که حقیقت‌یابی و معرفت عاشورایی است فراموش می‌شود. طرح‌های خاص لباس، آرایش مو و... بماند.

■ ترک واجبات حین عزاداری شایسته نیست

یکی از اتفاقاتی که در سال‌های اخیر زیاد رخ می‌دهد فراموش شدن واجبات دین برای پرداختن به اقامه عزاست. در حالی که امام حسین (ع) در بجهوجه جنگ همراه یارانشان در صحرای کربلا به نماز ایستادند تا حقیقت دین را زنده بدارند و بر این مهم تأکید کنند گاهی عزاداری مخصوصاً در شب‌های منتهی به دهه اول که اوج شور و حرارت سوگواری است انقدر طولانی می‌گردد که اغلب نمازهای صبح قضا می‌شود یا روز عاشورا درست وقتی که باید نماز ظهر عاشورا اقامه شود، انقدر بازار خیمه آتش زدن و بر سر و سینه زدن داغ است که اصل اتفاق عاشورا فراموش می‌شود. عزاداران باید بدانند سوگواری‌هایشان وقتی مورد قبول واقع و موجب اجر اخروی می‌شود که در حدود بندگی خدا باشد و مشتمل بر دروغ یا ترک واجبات نباشد. نمی‌شود فعلی حرام را



سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۸۴۷۱



بیابید امسال با معرفت عزاداری کنیم. همان پیراهن سیاه را بپوشیم و مثل هر سال به هیئت‌ها برویم و برای سرور و سالارمان سوگواری کنیم، اما این بار با یک منش عاشورایی. این بار با یک دید بهتر و جدی‌تر نوحه بشنویم. نوحه‌ها را نشنویم برای رفع دل‌تنگی و مشکلات دنیایی خودمان. امسال به جای گذاشتن موسیقی‌های عجیب و غریب که هر سال ایام محرم مد می‌شود چند کتاب بخوانیم

تکیه پول جمع می‌کند. عجیب است که هیچ کس بیکار نمی‌ماند. حتی مادرها که نشسته‌اند با اشک‌ها ایشان شور مجلس را می‌افزایند. عادت کرده‌ای به نذری‌های هر شب. آنها که از درانه امام حاجت گرفته‌اند مجبند تقسیم می‌کنند. برای شیرخوارهاش شیر و شیرکاکائو می‌دهند. برای علی‌اکبرش حنا و برای قاسمش نقل و نبات می‌دهند. باز هم دلت می‌لرزد. همان بسته آجیل مشکل‌گشا که یک مشت نخودچی و نقل ریز است دلت را می‌لرزاند. دلت می‌خواهد برای حاجت نذر کنی. همانجا از دلت می‌گذرد که اگر فلان مشکل‌لت حل شد سال بعد در شب عزای حضرت علی‌اکبر(ع) آجیل مشکل‌گشاده‌ی و همین نذر دلت را قرص می‌کند و اما باقی این روایت شور انگیز...

بازارها را تعطیل می‌کردند و به عزاداری می‌پرداختند، اما هر گز کسی قه‌زنی با اعمال شنیع دیگر را انجام نمی‌داده است. از آنجایی که طوطی‌فروشان (عزادار) توسط توده مردم هدایت می‌شده است برخی از روی چهل برای عزاداری شکل‌های مختلفی نظیر قه‌زنی، تیغ‌زنی، قفل زنی و... را باب کرده‌اند و اینها از طرف هیچ کدام از عالمان دینی و اسلامی به مردم القا نشده است. تحریفات دیگری هم در خصوص عاشورا صورت گرفته و تأکید صرف و اغراق آمیز بر تراژدی بودن واقعه عاشورا مردم را از اصل و فلسفه آن غافل کرده‌است. هزاران صحنه زیبای عاطفی و انسانی رخ داده که همه در مسیر هدف والای عاشورا پدید آمده‌است. حضرت امام(ع) می‌دانستند چه راهی پیش و دارند و با علم به آنچه رخ می‌دهد برای زنده‌نگه داشتن دین رسول خدا و امر به معروف تن به این جنگ برابر دادند. روانیست ایشان را با ضعف و تنهایی و غریبی‌اش یاد کنیم. نه اینکه گریستن بر غربت امام بد باشد اما کافی نیست. گریه با معرفت است که خریدار دارد؛ عزایی که جوان‌های جامعه را عاشورایی کند عزاست. این واقعه بزرگ می‌تواند قری‌ق برای آینده بشریت باشد، به شرطی که واقعه را یک تراژدی خانوادگی نکنیم و هر سال میان سوگواری‌ها نوحه‌های عجیب و غریب نوظهور برای مخاطب بیشتر و گریه بیشتر، خرافه وارد این اتفاق بزرگ نکنیم. باید یکی از این خرافه‌ها کسی را به فکر فروبرد و اتفاقاً فاصله تخیل و واقعیت انقدر زیاد باشد که به اصل ماجرا شک کند. برای ما که شیعه هستیم و ارادت حسین (ع) در رگ‌هایمان است و سینه به سینه برایش رخت عزا پوشیده‌ایم خیلی فرق در اصل ماجرا ندارد، اما اگر کسی بخواهد حسین(ع) را بشناسد و این قه‌های متضاد را بشنود، اگر ذکر نوحه‌هایی را بشنود که خیلی از آنها در عاشورا رخ نداده است با این غلوه‌ای غیرعقلانی نهضت عاشورا غریب می‌ماند.

از آنجایی که هر جامعه عشق به اسطوره‌هایش دارد در ذکر رفتار و کردارش غلو می‌کند و متأسفانه شخصیت امام حسین(ع) و قیام ایشان نیز از تحریف در امان نمانده است. ■ بیابید با معرفت عزاداری کنیم بیابید امسال با معرفت عزاداری کنیم. همان پیراهن سیاه را بپوشیم و مثل هر سال به هیئت‌ها برویم و برای سرور و سالارمان سوگواری کنیم، اما این بار با یک منش عاشورایی. این بار با یک دید بهتر و جدی‌تر نوحه بشنویم. نوحه‌ها را نشنویم برای رفع دل‌تنگی و مشکلات دنیایی خودمان. امسال به جای گذاشتن موسیقی‌های عجیب و غریب که هر سال ایام محرم مد می‌شود چند کتاب بخوانیم. کتاب نهضت حسینی از استاد شهید مرتضی مطهری را بخوانیم. مقتل‌های درست و سندهار را بخوانیم. کمی عقل را بر احساس برتری دهیم و تمام چیزهایی که در تمام عمر در ک‌نکرده‌ایم امسال درکش کنیم. گریه بر سیدالشهدا(ع) ثواب دارد، اما یادمان باشد اصل عزاداری فهم است نه گریه و اگر اشکی می‌ریزد باید در پس آن معرفتی باشد. وقتی اصل یک واقعه بر مبنای گریاندن مردم باشد طبیعتاً است که به جنبه‌های تحلیلی، جامعه‌شناختی و روانشناسی افراد حاضر در این واقعه توجه نمی‌شود. بیابید امسال دست به دست هم دهیم و فریضه‌ای که به خاطرش امام معصوم را در تلخ‌ترین تراژدی تاریخ از دست داده‌ایم احیا کنیم. امر به معروف و نهی از منکر را در زندگی‌های روزمره بکشانیم. امسال را سال تغییر منش قرار دهیم و با این نیت پا به هیئت‌های عزای امام حسین(ع) بگذاریم.

نگاه



۲ فریضه فرعی که نباید فراموش شود

جامعه متقدم آرزوست

معروف کرد؟! طوری تو را قانع می‌کنند که از گفت‌هاات بشیمان می‌شوی. اصلاً نهی از منکر یکجورایی همین انتقاد کردن از خودمان است. آیا کسی جرئت انتقاد دارد؟به رئیس‌بست بگو کار تو خیانت در امانت است. آیا گوش می‌کند؟به ناوای سسر کوچه‌تان بگو وزن نان‌هایت کمتر از حد مجاز است و این یعنی کم فروشی. آیا از فردا به تو نان می‌فروشد؟ به میوه‌فروش محله‌تان بگو قیمت میوه‌هایت گران است. آیا تو را با غرور به همکاران گرانفروش‌تر از خودش رهنمون نمی‌سازد؟ تو کسی را از چیزی نهی کن، آیا به همین راحتی گوش می‌کند؟ هزار بار هم برایشان بگو نماز سستون دین است و هزار دلیل علمی هم که برای خواندنش بیابوری باز زیر بار نمی‌روند. به یکی از اقوام بگو عروسی مختلط نکیر. آیا شما را در لیست مهمان‌هایش خواهد گذاشت؟

■ **امر به معروف وظیفه همه ماست**
انقدر این فریضه در میان جامعه غریب است که اگر بگویي وظیفه من امر به معروف بود متعجب باشی چشمانی گرد شده‌نگاهت می‌کنند، چون امر به معروف را فقط برای بسیج، گشت ارشاد و امنیت اخلاقی شنیده‌اند. به این باور نرسیده‌اند که امر به معروف هم عین نماز و روزه، از ارکان مهم دین و وظیفه همه ماست و اگر انجام نشود ایجاد تزلزل و شکاف می‌کند.

■ **باید جرئت اعتراض داشت**

بسیاری از افراد مؤمن در جایی که امکان گناه و معیبت است حضور پیدا نمی‌کنند. مثلاً اگر بداندن جایی بساط غیبت پهن است بهانه می‌آورند و نمی‌روند، اما این راه چاره نیست. نمی‌شود دروازه‌ها را بست و خود را در خانه حبس کرد و به میلاد گناهی برای این قشر باشی. اگر اما جرئت اعتراض داشت. باید لحن لطیف و صد چندان مهربان داشت. با داد و قیافه حق به جانب و حس خودپر بینی که نمی‌شود کسی را دعوت به کار خیر کرد.

■ **با رفتارات امر به معروف کن**

تو با رفتار خودت می‌توانی حجاب را ترویج کنی، پس یک محبیه تمام عیار و خوش خلق و موفق باش تا الگویی برای این قشر باشی. اگر یک هنرمند شدی، اگر یک استاد یا یک معلم بودی که نگاه عده‌ای به حرکات و سکنات تو بود آن وقت می‌توانی تأثیر گذار باشی. مجبور نیستی برای تعریف از حجاب برتر آسمان و ریسمان بیافی. می‌خواهی امر به معروف کنی همیشه اهل مطالعه باش، به علم روز واقف باش که اگر لازم شد با یک جوان امروزی بحث کنی و به زبان خودش حرف بزنی. وقتی بداند حرفش را می‌فهمی گوش می‌کند، می‌خواهی امر به معروف و نهی از منکر کنی؟ اشکال ندارد ولی بدان زبان تیز از هر خنجرى کشنده‌تر است. برای اینکه دیگران را تغییر دهی اول خودت را تغییر بده. می‌خواهی کسی را به احترام والدینش امر کنی اول خودت به والدینت سر بزن که پیش وجدانت شرمندگی‌باشی.

■ **کمپین‌هایی امیدوارانه**

راه‌های زیادی هست که می‌توان فریضه امر به معروف و نهی از منکر را احیا کرد. رسانه نقش مهمی در این مقوله دارد. باید انتقاد سازنده در جامعه جایفتد و اسم هر مخالفتی را اعتراض نگذارند. اگر جنبه انتقادی افراد بالا برود و ما یاد بگیریم با هم گفت‌وگو کنیم

و بدون تحمیل از عقایدمان بگویم آن وقت است که می‌شود به اشاعه امر به معروف امید داشت. اخیراً کمپین‌های خوبی راه افتاده که به نظر می‌رسد امر به معروف‌های سازنده‌ای بوده است بدون اینکه شعار خاصی را در بوق و کرنا کنند. مثل کمپین صاحبخانه خوب که سعی دارد وجدان بعضی از این صاحبخانه‌های بر عرش نشسته را غلغلک دهد تا از سر رحمت با مستأجرهایشان برخورد کنند. یا کمپین‌های انسانی‌ای که برای افطارهای ساده و کمک‌های نقدی برای سبیل زده‌ها و... به راه می‌افتد و با استقبال بسیار گسترده مردم هم مواجه می‌شود. آنها شاید معروف‌هایی که به آن امر می‌کنند کمک‌های مادی باشد، اما با چنین مواردی هم می‌توان امید به گسترش این حرکت بزرگ بست.

مولا علی(ع) فرمودند: «همه اعمال نیک حتی جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر مثل قطره در مقابل دریاست.» و وقتی از ایشان درباره زبان این دو فریضه سؤال کردند پاسخ دادند: «امر به معروف و نهی از منکر نه اجل کسی را نزدیک می‌کند و نه روزی او را کم می‌کند.» ایشان اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را در مقایسه با جهاد در راه خدا تا جایی می‌دانند که می‌فرمایند همه اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر مثل قطره در مقابل دریاست. اما آیا به راستی به قدر و اهمیتی که امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند برای این فرایض اهمیت قائل هستیم؟

■ **فروعی که نباید فراموش شود**

امر به معروف و نهی از منکر، دو تا از فروع دین به این نام است که نباید به دلیل فرودنش به محاق فراموشی سپرده شود. یکی امر به نیکی می‌کند و دیگری نهی از شر و بدی. دو عنصر مهم که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و اغلب با غفلت مواجه است. روایات و آیات زیادی در باب این مهم داریم اما همه چیز بستگی به شرایط اجتماعی دارد.

■ **امر به معروف و نهی از منکر**

امر به معروف کردن گاهی خرج دارد و گاهی درد. درد یک نیش کشنده. گاهی اگر کسی را امر به نیکی کنی متهم می‌شوی به دخالت و



راه‌های زیادی هست که می‌توان فریضه امر به معروف و نهی از منکر را احیا کرد. رسانه نقش مهمی در این مقوله دارد. باید انتقاد سازنده در جامعه جایفتد و اسم هر مخالفتی را اعتراض نگذارند. اگر جنبه انتقادی افراد بالا برود و ما یاد بگیریم با هم گفت‌وگو کنیم و بدون تحمیل از عقایدمان بگویم آن وقت است که می‌شود به اشاعه امر به معروف امید داشت

تلقین عقاید. گاهی می‌خواهی به همسایه‌ات نهی از منکر کنی به تو می‌گوید عیسی به دین خود موسی به دین خود. همسایه رویه‌رویات با استین حلقه‌ای در بالکن لباس پهن می‌کند و تو اگر با خوشروترین حالت ممکن به او تذکر بدهی یک آدم متحجر و عقبنافاده می‌شوی و خیلی راحت به تو می‌گوید تو روسری خودت را سفت بچسب که یاد نیرد. در آبارتمان حقوق دیگران ضایع می‌شود اما اگر اعتراض کنی می‌گویند اگر ناراحتی از اینجا برو، اگر در خیابان به کسی بگویی شیر آب را ببند اسراف است، پوز خندی تحویل می‌دهد و می‌گوید پولش را می‌دهم. اگر کسی را دعوت به نماز خواندن کنی بدای به غیبتش می‌انازد و می‌گوید تو بخوان بینیم کجای دنیا را می‌گیری؟

■ **نتایج حرف حق با مردم بی‌اعصاب!**

مگر می‌شود با مردم بی‌اعصاب امر به



تو با رفتار خودت می‌توانی حجاب را ترویج کنی، پس یک محبیه تمام عیار و خوش خلق و موفق باش تا الگویی برای این قشر باشی. اگر یک هنرمند شدی، اگر یک استاد یا یک معلم بودی که نگاه عده‌ای به حرکات و سکنات تو بود آن وقت می‌توانی تأثیر گذار باشی. مجبور نیستی برای تعریف از حجاب بر تر آسمان و ریسمان بیافی